

علمی

رهیافت زیبایی‌شناسی معطوف به مبادئ عالیة قرآن کریم

مجتبی عطارزاده *

^۱دانشیار علوم سیاسی، عضو هیات علمی گروه دروس عمومی و معارف اسلامی دانشگاه هنر اصفهان



10.22080/qhs.2023.23909.1145

چکیده

پیشینه زیبایی‌شناسی به عنوان مقوله‌ای که پیوسته دغدغه بشر بوده، به روزگاران قدیم برمی‌گردد تا آن جا که به عقیده برخی در یونان و هند و برخی تمدن‌های دیگر باید به جست‌وجوی ریشه‌های این موضوع پرداخت. تلاش برای یافتن آنچه در هنر و روان‌شناسی سبب انبساط خاطر بشر و عامل احساس بهجت درونی و باطنی وی می‌گردد، پرداختن به مقوله زیبایی‌شناسی را حائز اهمیت ساخته و می‌سازد. فرضیه این نوشتار در پاسخ به این پرسش که "عامل مؤثر در تحریک عقل و گرایش انسان نسبت به قرآن کریم و تلقی آن به مثابه امری زیبا چیست؟" این است که نظر به هدایت و جلب توجه‌کننده وجود مخاطب به پیام‌های الهی و معنوی در این کتاب مقدس که مانع از تعریف زیبایی و هنر در قالب‌های محدود مادی می‌شود و نیز برخلاف ماهیت دنیوی و نیست انگارانه "هنر" در دنیای غرب که شأن قوه خیال را به محسوس و امور دانی فرو می‌کاهد، قوه خیال در بازشناسی قرآن از زیبایی که مبدأ آفرینش هنری شمرده می‌شود، به مبادئ عالی و ناظر به قلب، راجع است. یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته نشان می‌دهد که نشأت گرفتن زیبایی آیات الهی از حقیقت و جوهر معنوی (و نه زمینی) با هدف یادآوری حسن همه مظاهر خلقت به دلیل اثر و نشانه خدا بودن، مبادئی برای حرکت به سوی تعالی و رستگاری فرا روی مخاطبان خود می‌گشاید که جز از رهگذر تعقل، با ابزارهای متداول در شناسایی زیبایی‌های زمینی قابل درک و فهم نیست.

تاریخ دریافت:

9 آبان ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۲۵ تیر ۱۴۰۳

تاریخ انتشار:

۲۰ شهریور ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

قوة عاقله؛ تدبر؛ زیبایی عقلانی؛
هنردینی؛ نظم معنائی.

* نویسنده مسئول: مجتبی عطارزاده

ایمیل: mattarzadeh1@gmail.com

آدرس: دانشیار علوم سیاسی، عضو هیات علمی گروه دروس
عمومی و معارف اسلامی دانشگاه هنر اصفهان

۱ مقدمه و طرح موضوع

روند تحول ادیان جهانی تحت تأثیر عوامل مختلفی رقم خورده است که هنر نیز در این فرآیند نقش خاص خود را ایفا نموده است. در پیوند انسانیت و الوهیت از رهگذر اسطوره و آئین به واسطه دین و نقش آفرینی آن از جایگاه الهامی معنوی در عرصه فرهنگ و خلاقیت بشری، هنر معنای انسان بودن را با ترجمان آن چه در زیست بشری در هیبت و شکل قصه، آرزو و تجربه رقم خورده در قاب شمایل مشهود به نمایش می‌گذارد. دین و هنر در عرصه آیین و روایت اسطوره‌ها، چه در بعد نظر و چه در وادی عمل در کنار هم بوده‌اند. هنر به زعم برخی صاحب نظران با برخورداری از رابطه‌ای ذاتی و طبیعی با حقیقت و زیبایی، امکان در پی آوردن تجربه‌ای دینی یا به قول پدیدارشناس دین، رودولف اُتو، «تجربه‌ی ملکوتیات» (۱) را دارا است.

براساس نگرش دینی، شکل ظاهری اشیاء نمود تام و تمام آن در جهان نیست، بلکه باطنی در پس هر ظاهری است که بر تضمن بودگی هر نمودی دلالت دارد. با گریزناپذیری نهفتگی معنا در پس هر کالبد، انفکاک نسبت بین محتوا و قالب یا فرم و معنا در عمیق‌ترین بنیان‌های نظری هنر (و به ویژه هنر مقدس)، ضرورت برخورداری اندیشه و آیینی همچون اسلام که هنرش وامدار قوه خیال و عالم مثال است از قالب هویتی مماثل و مشابه عناصر معنوی چون، وجود مطلق، وحدت مطلقه وجود، شهود، نور، مراتب ظهور نور در عالم وجود، عالم مثال و نیز صور نورانی آن اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

از آن جا که زبان و هویت زبانی قرآنی از سنخ زبان‌های عقلایی است و آن‌سان که عقلاً با هم مخاطبه می‌کنند و ترابط کلامی برقرار می‌کنند، خدا نیز با عقلاً و با انسان به همان لسان تخاطب فرموده است، می‌تواند به مثابه مبدأ عزیمتی برای فهم مراتب بالاتر زیبایی‌های محسوس توسط حواس ششگانه، عقل را در دریافت زیبایی خاص خلقت که موجد احساس لذت و سرور یاری رساند؛ زیبایی

پر جاذبه شورآفرینی که با به شوق و حرکت درآوردن انسان‌ها، عشق و جنبش و اقدام سازنده را در آن‌ها موجب می‌شود.

البته به رغم عدم درک منجر به انکار این نوع زیبایی توسط برخی گرفتار مادی‌نگری، ولی به دلیل اثبات خاستگاه معنوی علاقه انسان به جمال و زیبایی، وجود نوعی زیبایی به نام «زیبایی عقلانی» حقیقت دارد که عرفان اسلامی، عالم سراسر تجلی حسن حق و ظهور معشوق ازلی و محبوب حقیقی را نماد بارز آن می‌شناسد و از همین رو است که موجودات همگی با زبان حال او را می‌طلبند و او را می‌خواهند. به تصریح آیه‌های قرآنی، هستی سراپا مجلی و مظهر صنع و فعل خداوند است که در غایت نیکویی، حسن، جمال و لطافت آفریده شده است. هرچه هست زیباست و در فعل الهی زشتی و تباهی جایی ندارد، هیچ زشتی و کاستی در نظام تکوینی عالم نیست و موجودات، تمامی آینه گردان حُسن روی اویند.

پس بنای اساس تکوین عالم بر زیبایی و فعل زیبای خداوند طبق جهان‌بینی اسلامی، حضور زیبایی در متن هستی موجودات و کل آفرینش، می‌تواند مبدأ تشخیص خصوصیات ماتن و مؤلف مؤثر در فهم متن قرار گیرد. این پیش‌فرض به متن قرآنی منحصر نیست و برای فهم یک متن ادبی نیز شناخت قبلی و آگاهی از ویژگی‌ها و خصوصیات آن برخوردار است، از به خطا رفتن در درک و یا هرگز نفهمیدن تأثیر به‌سزائی دارد.

اهمیت این نوع زیبایی که حاصل و مظهر تجلیات متنوع خداوندی که مربوط به «اسماء و صفات» پروردگار بوده و هر موجود، «مظهر» و «جلوه» یک یا چند اسم خداوند است، از آن جهت است که با آغاز حرکت از مبادی فهم صائب، جامع و کامل وحی‌نامه الهی توسط عقول مجرده طولیه و نفوس کلیه و عقول به سمت غایت قصوای سرشت زیبای خالق زیبایی‌ها و زیبای مطلق، دیگر سراغی از زشتی‌ها و منهیات گرفته نمی‌شود و بازار تباهی و فساد از سکه و رونق خواهد افتاد.

-موسوی لر و همکار (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «زیبایی‌شناسی کلام وحیانی قرآن کریم» در گستره‌ای از مطالعات میان رشته‌ای، به روش تحلیلی-تطبیقی و با تکیه بر کلام وحیانی قرآن کریم کارکردها، روابط و وجوه اشتراک و افتراق زیبایی‌شناسی و هنر دینی را بیان می‌کنند. برآیند این پژوهش نشان می‌دهد که تأکید بر جنبه‌های گوناگون اعجاز متنی از ابعاد هنری و ادبی در بررسی آیات قرآن، نادیده‌گرفتن محتوای متین آن نیست؛ بلکه جلب کردن توجه به زیبایی‌های ساختاری، زبانی، تصویری و روابط واژگانی آن است که پس از گذشت قرن‌ها تازگی دارد و از رونق نمی‌افتد.

-کتاب شیرازی و همکار (۱۳۹۴) با عنوان «مجموعه مقالات همایش پژوهشی قرآن کریم و هنر» مشتمل بر مجموعه مقالات همایش علمی پژوهشی با موضوع قرآن کریم و هنر است. نویسندگان مقالات متعدد ارائه شده در همایش مذکور، بر تبیین نشانه‌های زیبایی‌شناختی در کلام وحی با تمرکز بر مقولاتی همچون: هنر بر پایه معیارهای قرآنی، آداب نسخه‌سازی و آرایه‌های مصحف قرآنی و خوش‌نویسی قرآن کریم در جهان اسلام همت گمارده‌اند.

-بلخاری قهی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم زیبایی و مبانی زیبایی‌شناسی در قرآن» به بررسی مفهوم زیبا (حُسن) و معانی آن در متون اسلامی (اعم از قرآن، روایات و حکمت اسلامی) و نیز تبیین اصطلاح Kalon در فلسفه یونانی پرداخته است. این مقاله با محوریت قرآن به تبیین مفهوم زیبایی و زیبایی‌شناسی در این کتاب آسمانی (که مصدر و منشأ جعل و وضع معانی در تمدن اسلامی است) پرداخته است. نگارنده در تلاش برای یافتن پاسخ دو سؤال بنیادی: الف- زیبایی در قرآن، امری معقول و یا محسوس شمرده شده است؟ ب- در نگرش قرآنی، زیبایی به مثابه کیفیتی در ادراک یا اجتماع عناصری کمی در اعیان است؟ به این نتیجه می‌رسد که حسن جمال کلام الهی در دو بعد معنا و

به همین دلیل گذشته از زیبایی تناسب‌های آوایی و معنایی کتاب مقدس این آئین (قرآن) که قابل رویت برای همگان است، جست‌وجوگران ورای این ظواهر زیبا در صدد یافتن آن معنای درونی که رمزگشائی از آن مبدأ راجع به عالم باطن، نیز می‌باشند. این رمزواره پیوسته در شکل‌ها و نمادهای هنر مقدس وجود دارد و تنها زمانی این زیبایی ذاتی نقوش بر بینندگان مکشوف می‌گردد که خود را از قید زیبایی‌های دون دنیوی رها سازند تا زیبایی معطوف به مبادئ عالیه که امری درونی و خارج از ذهن با کنار گذاشتن و گذشتن از کنار حواس است، قابل درک و دریافت شود.

۲ پیشینه و ادبیات پژوهش

-فضیلت (۱۳۸۶) در کتاب خود با عنوان «زیبایی‌شناسی قرآن» آورده است با تأملی درست در قرآن می‌توان لفظ، معنای مبتنی بر لفظ و رابطه‌ی میان آن دو را به خوبی درک نمود. حاصل تلاش نگارنده این اثر در تبیین زبانی زیبایی قرآن از استواری کلام الهی و آکنده بودن از محاسن و زیبایی‌های ادبی ناشی از شیوایی اسلوب و معیارهای بلاغت در بافت سور و آیات آن، حکایت می‌نماید.

-سیدی و همکار (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل زیبایی‌شناختی تصویرهای هنری در قرآن (مطالعه موردی سورة فصلت)» معتقدند کتاب آسمانی مسلمانان، از جلوه‌هایی زیبا، جذاب و پویا آکنده است که صحنه‌ها و تصویرهای هنری شگرف و نفیس آن به روشنی، پرده از جمال خالق همه زیبایی‌ها برمی‌دارد. نگارندگان با تمرکز بر جنبه‌های بصری زیبایی‌شناختی در قرآن کریم، در تلاش برای ریشه‌یابی عامل اثرگذاری ژرف تصاویر هنری در قرآن کریم، از یک سو برخی فنون بلاغی از جمله استعاره، کنایه تشخیص و تجسیم (مجسم‌سازی) و از سویی دیگر، ترکیب عناصری همچون تقابل صحنه‌ها، محاوره و گفت‌وگو و غیره را نقش‌آفرین تشخیص داده‌اند.

قالب نمود و تجلی پیدا کرده است و به دیگر بیان، جمال هستی محسوس بازتابی از حقیقت حسن معقول آن است.

-احمد پناه و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «شرح و بررسی تناسب تصویری از جلوه‌های زیبایی‌شناسی قرآن کریم» با بیان این که یکی از وجوه سادگی و قابل فهم بودن بیان قرآن، تصویری و ملموس بودن مفاهیم ذهنی آن است؛ معتقدند بررسی کارکرد تصویر و تطبیق آن بر آیات قرآن، ضروری است. نتایج حاصل از پژوهش آنان نشان می‌دهد نزول قرآن کریم به زبان عربی که زبانی تصویری است، به ایجاد تصاویر هنری قرآن کریم کمک بسیاری کرده است.

هرچند در آثار پیشین به بازنمایی وجوه گوناگون زیبایی‌شناسی کلام وحی اهتمام گشته است، اما تأثیر شگرف کلام وحی بر پرواز خیال و نظر قلبی انسان به نوع فرازمینی زیبایی مورد تأکید در قرآن کریم (رجوع و بازگشت به مبدأ زیبایی‌ها) فارغ از عنصر زمان و مکان چونان مقوله‌ای به مراتب والاتر از زیبایی‌های مرسوم و معمول دنیوی و تبیین زمینه‌های این حرکت رو به تعالی با بررسی مبادئ آن در این کتاب آسمانی، ضرورت نگارش این وجیزه به منظور تکمیل آثار پیشین را ایجاب نمود.

۳ بازشناخت مفهوم "زیبایی"

بحث از معنا و ابعاد زیبایی‌شناسی از دیرباز در کانون توجه فیلسوفان و متفکران قرار داشته است. در قرون وسطی بحث در خصوص این که زیبایی را به عنوان ویژگی ذاتی اشیا باید دانست و یا این که زیبایی، یک واقعیت عینی است که در نسبت با انسان مُدرک و فاعل شناسایی شکل می‌گیرد و احساسی از لذت و سرور در آدمی برمی‌انگیزد نیز در آرای فیلسوفانی همچون آگوستین، آلبرت کبیر و آکویناس، ادامه پیدا کرد. در روزگار نزدیک‌تر به ما نیز فیلسوفانی همچون بومگارتن،

کانت و هگل و در دوران معاصر متفکرانی همچون هیدگر، ویتگنشتاین، گادامر، مارکوزه، والتر بنیامین، دریدا، نیچه، آدورنو درباره زیبایی، زیبایی‌شناسی و... به بحث پرداخته‌اند. کوتاه سخن این که زیبایی‌شناسی، به مثابه تلاش جهت شناخت هنر و احساس زیبایی که از دیرباز به عناوین مختلف مطرح بوده، به کوشش بوم گارتن از اتباع فیلسوف معروف لایبنیتز در سال ۱۷۳۵م. در قالب استتیک به عنوان فن علم الجمال، قبول عام یافت (وزیری، ۱۳۳۹: ۱).

فلاسفه‌ای همچون بندتو کروچه، وجود زیبایی به مثابه يك حقیقت مستقل از انسان را رد می‌کنند و معتقدند به دلیل برداشت و تفسیر متفاوت انسان‌ها از هستی که سبب زیبا یا زشت تلقی شدن چیزی می‌شود، درك مشترکی از زیبایی و زشتی‌ها وجود ندارد؛ چراکه برخی انسان‌ها چیزهایی را زیبا می‌دانند که نزد بعضی دیگر همان چیزها، زشت و ناپسند شمرده می‌شود (کروچه، ۱۳۳۹: ۴۶). وی، زیبایی را صفت ذاتی اشیاء نمی‌داند بلکه چون در اثر فعالیت روحی کسی زیبایی به اشیاء نسبت داده می‌شود یا در اشیاء کشف می‌گردد، این مقوله را باید در نفس بیننده جست‌وجو نمود. فرد یا افراد برخورداری از توانائی این کشف، قادر به یافتن زیبایی در همه جا هستند و یافتن آن عبارت از هنر است.

در مقابل، برخی دیگر زیبایی و ارزش زیبایی‌شناختی را همچون واقعیتی مستقل و امری عینی که در اشیا خارجی یافت می‌شود و کاملاً مستقل از واکنش‌های بینندگان است، می‌دانند و بر این باورند که ذهن انسان آن را چون به کمک قواعد و اصول معینی درك می‌کند، همان طور که معلومات دیگر را هم بر حسب قوانین مربوط به آن‌ها درك می‌کند، در این صورت زیبایی هم مشمول صدق و کذب می‌شود. به طور مثال اظهار نظر و داوری در خصوص زیبایی یک گل و یا ظرافت یک اثر هنری، می‌تواند درست و یا

موجود باشد، اما ویژگی سوم به طرز اجتناب ناپذیری با بیننده زیبایی گره خورده و امری درونی و دریافتی قلبی تلقی می‌شود؛ چرا که پای مقایسه، انتخاب و لذت بردن مخاطب زیبایی نیز به میان آمده هرگونه حکم زیبایی‌شناختی از رهگذر کاربست این وجوه در کنار هم صادر خواهد شد (قائمی نیا و امینی، ۱۳۹۳: ۹۹).

روی هم رفته می‌توان زیبایی را مفهومی تشکیکی دانست که دامنه آن از بالاترین مراحل هستی یعنی اسماء الهی تا پایین‌ترین سطوح یعنی عالم خاک کشیده شده است. هرچند تحقق در مراتب پایین زیبایی، اکتسابی است اما مراتب بالای آن اعطائی است و آدمی امکان انتخاب و گزینش هر یک از وجوه زیبایی را دارد. از آنجا که بدون زیبایی، روح در تاریکی و خشونت ماده خسته می‌شود، زندگی کردن در سیطره کمیت‌ها و امتدادهای هم مسیر و یکنواخت، روح را در خود می‌فشارد، کار زیبایی با انسان در حقیقت جلب نظر او در جهت گسستن از کمیّت و پرداختن به کیفیات است تا با قرار گرفتن در مسیر تعالی، حیات و زندگی طراوت و معنا پیدا کند (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۷۳). با توجه به تنها یکی دانستن مصداق حقیقی و اصیل وجود (ذات منزّه واحد و مطلق خداوند) نزد حکیمان و عارفان معتقد به وحدت وجود، عالم همه، مظهر اسماء و صفات خداوند شناخته می‌شود و از این رو بازنمائی زیبایی حق تعالی در تمامی زیبایی‌های عالم خلقت، جمال عاریتی آنان تحت‌الشعاع منشأ اصیل زیبایی (خداوند)، جلوه و معنایی مقدس می‌یابد.

نادرست باشد. بر این اساس، زیبایی یک شیء زیبا، در نبود ما نیز به قوت خود باقی است و حکم ما به عنوان ناظران بیرونی، تغییری در ماهیت زیبایی و یا نازیبایی آن ایجاد نمی‌کند. زیبایی، داوری - نه حکم شناختی و منطقی - (۲) درباره یک تصور است که قوه متخیل در بازی آزاد خود با فاهمه - شاید متحد با فاهمه - نسبت به یک پدیده ارائه می‌دهد (کانت، ۱۳۸۱: ۱۸۸) زیبا ناظر به چیزی است که صرفاً خوشایند فرد واقع شود، نه این‌که آن پدیده مورد علاقه (۳) وی باشد.

شهید مطهری نیز با طرح این موضوع که زیبایی در عالم طبیعت هم بسان عالم هنر، هماهنگی، تناسب و هارمونی بین اجزاء را ایجاد می‌کند، معتقد است یک قیافه و صورت زیبا آن است که خطوط متناسب داشته باشد و سجایای انسانی مانند تفکر، جوانمردی، صداقت و پاکی را نشان بدهد و هر قدر بیشتر صفات نیکو را نمایان سازد، زیباتر است. یک منظره زیبا با تناسب و توازن خطوط و الوان لطیف خود، توجه و دقت را جلب می‌کند و می‌تواند گرایش‌ها و عواطف مختلف همچون آرامش و امید یا یأس و حرمان را در لحظات مختلف پدیدار سازد. وی پس از طرح این مثال‌ها اظهار می‌دارد: «شکی در وجود زیبایی نیست، قدر مسلم در خارج چیزی به نام «زیبایی» وجود دارد. خواه انسان زیبایی او را درک کند، خواه نکند. مانند خیلی چیزهای دیگری که در عالم وجود دارد» (مطهری، ۱۳۹۰: ۸۶). از بین اندیشمندان معاصر، محمدتقی جعفری در کتاب زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام نیز به تفصیل راجع به این دو دیدگاه سخن گفته است (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

کوتاه سخن این که حکم به «زیبایی» در گرو اتحاد و جمع بین سه مقوله تناسب و سازگاری بین اجزاء، تمامیت، آرایه دلربا می‌باشد. دو شاخصه اول که از مقومات مفهوم حسن (زیبایی) است باید به طور مستقل از بیننده در ابژه عینی

۴ رویکرد اسلام به مقوله هنر و زیبایی با تأکید بر قرآن کریم

ادیان بزرگ جهان و از جمله ادیان توحیدی و به ویژه آئین اسلام، نه تنها ضد زیبایی نیستند بلکه سراسر آفرینش از جمله طبیعت به تصریح آیه‌های قرآنی به مثابه صنع و فعل خداوندی که جزئی از زیبایی تلقی می‌شود در غایت نیکویی، حسن، جمال و لطافت آفریده شده است و هیچ زشتی و کاستی در نظام تکوینی عالم راه ندارد؛ هرچه هست زیباست و در فعل الهی، زشتی و تباهی جایی ندارد (باستانی، ۱۳۷۱: ۴۶). طبیعت در نگاه اسلام به عنوان گسترده‌ترین و بارزترین نمود زیبایی مشهود بر عرصه هستی، نماد صفات جلالی پرورگار است و زیبایی و حسن مکنون در کنه عالم به عنوان حقیقتی قابل ادراک اما تعریف ناپذیر که گستره آن عالم طبیعت و امور محسوس تا ماورای آن و امور فرامادی و معنوی را شامل می‌گردد، نماد صفت جمالی کردگار است. از این چشم‌انداز دل‌انگیز و زیبای عارفانه که ملهم و مأخوذ از آیات قرآنی و آموزه‌های اسلامی است، کل هستی، عین لطف و حسن و جمال است که در کمال موزونیت و تناسب و نظم آفریده شده است. این واقعیت در آیه ...وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۵-حج) این گونه بازتاب یافته که زمین را می‌بینی که خشک و پژمرده است و هنگامی که آب بر آن فرومی‌فرستیم، به حرکت و جنبش در می‌آید و موادی در آن سر می‌کشند و از هر نوع گیاهان و درختان بهجت‌انگیز، می‌رویند.

از دیدگاه اسلامی، زیبایی تنها در زیبایی ظاهری و محسوس خلاصه نمی‌شود، بلکه امری معقول و برین است. زیبایی محسوس رمز و سایه‌ای از زیبایی کلی و معقول است و به بیان دیگر در ورای زیبایی محسوس، زیبایی معقول وجود دارد. چنان که میرفندرسکی-حکیم نامی

دوره صفوی- سروده است (میرفندرسکی، ۱۳۹۱: ۲۸):

چرخ با این اختران، نغز و خوش زیباستی
صورتی در زیر دارد آن چه در بالاستی

صورت زیرین اگر با نردبان معرفت
بر رود بالا همی با اصل خود همتاستی

مرحوم شهید مطهری نیز در مقام تبیین مفهوم زیبایی از منظر اسلام، آن را به زیبایی‌های محسوس، معقول و معنوی تقسیم می‌کند و این نوع تقسیم‌بندی را از قرآن اخذ می‌کند. او زیبایی‌های محسوس و ملکات اخلاقی (مانند صبر جمیل، عفو جمیل) را به مصداق آیات شریفه ۶ سورة نحل، مصداق زیبایی‌های طبیعی و هجرت زیبا را طبق آیه ۷ سورة حجرات، به عنوان زیبایی‌های معقول به شمار آورده است.

در نظر شهید مطهری، همه زیبایی‌ها - زیبایی‌های طبیعت و یا زیبایی‌های آفریده شده توسط انسان که هنر نامیده می‌شود - از ذات اقدس ربوبی نشأت می‌گیرد و از این رو هنر نزد شهید مطهری برخلاف باور فلاسفه یونان در خصوص صرف انعکاس زیبایی‌های طبیعت توسط هنرمند، محصول و بازتاب دهنده روح و درونیات و هنرمند شناخته می‌شود. براین اساس، هنر پاک و مطهر هنرمند نشانه برخورداری هنرمند از درونی پاک و مطهر است (لطفی، ۱۳۹۲: ۸):

بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود
این همه قول و غزل تعبیه در
منقارش (حافظ، ۱۳۹۹: ۴۹)

استاد مطهری به وجود یک سلسله زیبایی‌های غیرمحسوس و معنوی به موازات زیبایی‌های محسوس، اشاره دارد که بر خلاف نوع اخیر توسط حواس قابل درک و شناخت نیستند، بلکه قوه خیالیه انسان - یعنی به صورت‌های ذهنی در انسان به وجود می‌آید - که می‌توان آن‌ها را احساس یا احساسات نامید، قابل به

شناسایی هستند. اصولاً مطهری بین حس (حواس) و احساس تفاوت قائل است. حس درک ناشی از ابزار مادی مانند گوش و چشم... است، اما احساسات درک ناشی از قوه خیالیه و دل است. به عنوان نمونه مطهری با اشاره به فصاحت و بلاغت در کلام شاعرانی چون سعدی، بر این باور است که صنایع شعری به تنهایی در خلق و ایجاد زیبایی نقش بازی نمی‌کند، بلکه «معانی این الفاظ [نیز] هست که سبب جذب روح به سوی خود می‌گردد». استاد مطهری از زیبایی کلام وحی و سخنان امیرالمومنین (ع) مثال می‌آورد که محتوای بلند و مضامین عالیه در کنار فصاحت و موسیقی آن‌ها، در خلق و ایجاد زیبایی نقش‌آفرین است (مطهری، ۱۳۹۰: ۷۴).

مرحوم شهید مطهری در مقام توضیح زیبایی‌های معقول می‌گوید: «سلسله زیبایی‌هایی در اوج حس و قوه خیالیه انسان قرار دارند که تنها عقل انسان قادر به درک آن‌هاست. این زیبایی‌ها را زیبایی‌های معقول یا حسن عقلی می‌نامند. متکلمین شیعه و معتزله و فقهای شیعه و آن گروه از فقهای اهل تسنن که از نظر کلامی معتزله‌اند به حسن و قبح بعضی از کارها معتقدند و می‌گویند که اساساً کارهای بشر دو گونه است:

۱- يك گونه از کارها في حد ذاته زیبا است، جمیل و باعظمت است، جاذبه و کشش دارد و عشق و علاقه و حرکت ایجاد کرده و ستایش‌آفرین است.

۲. گونه دیگر کارهای بشر طبیعی و عادی است و ستایش و تحسین‌ها را برنمی‌انگیزد» (همان: ۸۱).

ایثار، راست‌گویی و افعالی از این دست زیباست و ابزار درک این نوع زیبایی‌ها عقل است. در این دیدگاه عقل در کنار حواس پنج‌گانه و قوه خیالیه قرار می‌گیرد و مُدرک زیبایی است. بر اساس این منطق تصور ما از هنر و هنرمند نیز

این معنا در تعبیر حافظ(حافظ، ۱۳۹۹: ۳۰۱) به مثابه عاشق شدن هنرمند نظیر همة انسان‌ها در صورت شهود جلوه‌ای از پرتو جمال و کمال الهی، ترجمان پیدا کرده است:

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

۵. مخاطب قوه خیال و اندیشه بشر در رهیافت زیبایی شناسانه قرآن کریم

از سده‌های نخستین اسلامی غالباً تلقی انحصاری زیبایی و شکوه محض در خداوند و باور دانشمندان مسلمان به این که منشأ و منبع دیگر زیبایی‌های هستی، ذات باری تعالی است، باعث جلب توجه زیبایی‌شناسان به قرآن کریم به مثابه کلام خداوند و مظهر جمال الهی، گردید. برآیند تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه از وجود بالاترین درجه امکان در پیوند اجزای کلمه‌ها و جمله‌ها ترکیب‌ها و آیات سوره هایش و روابط گسست‌ناپذیر آن‌ها حکایت می‌کند، به گونه‌ای که این کتاب آسمانی در عین برخورداری از تنوع و تکثر، از وحدت، انسجام، تناسب، هماهنگی و تجاذب بی‌نظیر در میان اجزای متنوع خود بهره برده است (مولائی نیا، ۱۳۸۳: ۲۷۸). کنار هم قرار گرفتن عبارات قرآنی با چنان دقتی که به مفاهیم و معانی آیات چنان قدرت و قابلیت می‌بخشد، با ایجاد حس بالندگی، پویایی و تحرک در ذهن خواننده، به گونه‌ای زمینه تعالی در وجود مخاطبین خود فراهم می‌سازد که مؤمنان و هم کافران را به طور مساوی تحت تأثیر قرار می‌دهد. ژرفا و عمق این تأثیر تعالی‌بخش گذار تا حدی است که برخی با مرتبط پنداشتن بلاغت و زیبایی هنری قرآن با روان‌شناسی و اسرار نهفته در روح و روان آدمی، اساساً مباحث قدما را متناسب و در شأن تبیین زیبایی قرآن نمی‌دانند (الخولی، ۱۹۶۱: ۳۱۶).

کوتاه سخن این که گشوده شدن افق‌های جدید در باب اعجاز قرآن در عطف رهیافت زیبایی‌شناسانه

با آن تصویری که در فلسفه هنر اروپایی مطرح است تفاوت اساسی پیدا می‌کند. همان طور که خوب را مصادف و مقارن با زیبایی تلقی می‌کنیم، انسان خوب با فضایل به مثابه فاعل خوبی‌ها را نیز می‌توان یک هنرمند دانست. البته ریشه معنوی هنر (مأخوذ از هونره یا سونر) به معنای مرد خوب که در ادبیات اوستا وجود دارد، دلالت بر تاریخی بودن این طرز تلقی از هنر می‌کند که در این راستا بعضی از مهارت‌ها مانند کمان‌داری یا اسب‌سواری را به عنوان هنر کمان‌داری یا اسب‌سواری تلقی می‌کردند (مددیور، ۱۳۸۷: ۱۱۴). شاید به این دلیل باشد که گروهی، اخلاق را در مقوله جمال و زیبایی می‌آورند. این گروه معتقدند «باید حس زیبایی را در بشر پرورش داد. بشر اگر زیبایی مکارم اخلاق و اخلاق کریمانه را حس کند، دروغ نمی‌گوید و خیانت نمی‌کند» (مطهری، ۱۳۸۹: ۴۶).

منشأ الهی هنر از منظر شهید مطهری، شکل گیری جنبشی از سوی انسان را سبب می‌شود تا درد فراق و دورافتادگی از مبدأ زیبای آفرینش را تخفیف دهد. او هجران را منشأ عشق می‌شناسد و هجران با دردی همراه است که جز با وصال معشوق پایان نمی‌گیرد. انسان درد خدا دارد و عاشق کمال مطلق است و این درد و عشق او را از درون به سوی حق می‌کشاند. البته نباید از این مهم غفلت نمود که دیدن زیبایی‌های آفرینش که منجر به هدایت بیننده به سوی مبدأ زیبایی‌ها شود، هم وجود روحی زیبا و نیز دیده‌ای زیباشناس را اقتضا می‌کند (۴).

در صورت وجود چنین پیش شرط‌هایی است که آفرینش آثار هنری توسط انسان نمودی از ستایشی حاصل از این درک و ناله‌ای عرفانی خواهد بود، آن گونه که اخوان ثالث سروده (اخوان ثالث، ۱۳۷۹: ۴):

شاعر نیم و شعر ندانم که چه باشد
من مرثیه‌خوان دل دیوانه خویشم

۱۷- غاشیه). از جمله این حقایق، حقیقت وجودی انسان است. حقیقت، بودن و درک کردن لحظاتی است که بشر به حقانیت وجود خودش پی می‌برد؛ یعنی خود را از تمام وابستگی‌ها و خصلت‌هایی که مثل کنه به وجودش چسبیده بودند و مانع دیدش می‌شدند رها می‌کند تا صفات الهی درونش تجلی نماید. به یقین اولیاء الله و پیامبران با رسیدن به این مقام، از چشم حقیقت‌بین و زیبایینی برخوردار می‌شوند، نه تنها دیگر از سختی‌ها و تاریکی‌ها باکی ندارند بلکه آن‌ها را عین زیبایی می‌بینند (۵): (و كذلك نرى ابراهيم ملكوت السموات و الارض) یا (سبحان الذي اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام الي المسجد الاقصي الذي باركنا حوله لنريه من آياتنا). ویا فراتر از آن، ذات اقدس اله به عنوان عالی‌ترین مظهر زیبایی که همانا نور و روشنایی است، معرفی می‌گردد (الله نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۝ ۳۵- نور)؛ از آن‌جا که نور هم خود روشن است و هم سبب روشنی اشیای دیگر می‌شود، منشأ آفرینش زیبایی است و در پرتو آن امکان نمود و مشاهده دیگر زیبایی‌ها فراهم می‌گردد. در حقیقت این نور خداست؛ همان نوری که آسمان‌ها و زمین را روشن ساخته و به برکت آن روشنایی، مؤمنان راه و مسیر هدایت را می‌یابند و با روشن شدن تمام وجود و هستی آن‌ها رابطه نور- زیبایی- هدایت، معنا می‌شود.

نور در اصطلاح اشراقیون، همان وجود و هستی است. خداوند، وجوددهنده هستی است؛ نور محسوس هم پرتوی از نور اوست. عالم طبیعت هم جلوه‌گاه حسن و ابداع اوست. خدا از خلق (دستگاه آفرینش و نظام هستی) جدا نیست با این که خلق، عین خدا نیست. خداوند، نور هستی است و از شدت روشنی ناپیداست. این ناپیدایی در عین پیدایی است. به گفته شبستری در گلشن راز (شبستری، ۱۳۹۳: ۴۸):

هرآن چیزی که درعالم عیان است
چو عکسی ز آفتاب آن جهان است

قرآن به مبادئ عالیّه، تصویر انگیزی کلام تنها به صور خیال، تشبیه، استعاره و... منحصر نمی‌گردد، بلکه خیال‌انگیزی کلام قرآن علاوه بر استفاده از صور خیال با انتقال مفاهیم از طریق انتخاب دقیق و لطیف کلمات، هر نوع ارائه هستی از معنا چه این داده حسی بر گونه‌های بلاغی سنتی تکیه داشته باشد و چه فراتر از آن، تصویری محسوس پویا و خیال‌انگیز را در مقابل دیدگان مخاطب شکل می‌دهد.

کوشش برای یافتن آن‌چه در هنر و روان‌شناسی سبب انبساط خاطر بشر و عامل احساس بهجت درونی و باطنی وی می‌گردد، زیباشناسی را در کانون تمرکز هنر و هنرمندان قرار داده است. از آن‌جا که کشش و جاذبه کلام وحی نیز سبب تحریک احساسات درونی و باطنی انسان می‌گردد، اقدام به واکاوی بیانات قرآنی و شناسائی هنر و جمال در این کتاب آسمانی، توجه به موضوع زیبایی‌شناسی در قرآن کریم را ایجاب می‌نماید.

چهار نکته جان مایه حس زیبایی‌شناسی با تدبر در آیات بیانگر جلوه‌گاه‌های طبیعی و انسانی در قرآن کریم، قابل استنباط است:

۱- بازتاب حقیقت حسن معقول در انواع مختلف تجلی یافته در هستی محسوس، چنان زیبایی را در تمامی ابعاد وجودی گسترده ساخته که غفلت از این ارزش‌یابی زیباشناختانه، گویا قصور در انجام وظیفه‌ای اخلاقی و فکری انسان مایه فخر و مباهات خالق عالمیان، شمرده می‌شود. به دیگر سخن، سراغ از این مقوله گرفتن انسان برای تفرج و گذران اوقات اجازه داده نشده؛ بلکه شناسائی زیر و بم‌های زیباشناختانه هستی چونان وظیفه و تکلیفی از جانب خالق زیبایی‌ها بر دوش او گذارده شده است.

۲- در رویکرد قرآن به مقوله هنر، زیبایی دیدنی (از نوع وجدان کردن) و نه توصیف کردنی ارزیابی می‌شود. از این رو باید چشم زیبابین به وجود آورد. این همان کار پیامبران یا ذکر و یادآوری حقایق خلقت است: (أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِلَهِ كَيْفَ خُلِقَتْ

تجلی، گه جمال و گه جلال است
وزلف، آن معانی را مثال است

نور از جمله مظاهر جمال خداوندی است که منبع انتزاع صفات جلالیه او است. تعبیر نور آسمان و زمین هم به گونه‌ای بر جمع صفات زیبا در ذات اقدس اله دلالت دارد که همگان را مسحور خود می‌گرداند و به عبارتی سرمنشأ کشش و عشق به سمت او به شمار می‌رود. البته نحوه پیمایش پویندگان این مسیر پرجذبه و کشش متفاوت است. برخی تحت تأثیر این عشق یا همان کشش زیباشناختی، با مشاهده مخلوقات و مظاهر زیبای هستی، در جنبه‌های مظهری آن‌ها غرق شده و قادر به عبور از آن نیستند؛ اما گروهی از آن‌جا که عشق، شاخص جوهره ذات الهی است، با اتخاذ زبان عشق برای عرفان ذات هستی، توانایی گذر از چهره‌های ظاهری به منظور رویت جمال حق تعالی از پی هر چهره‌ای را دارند و در اثر شناخت و اعتقاد توحیدی و قرار گرفتن باری تعالی در کانون توجه کامل ایشان، هر زیبایی اثر جمال حق تلقی می‌شود و دائم بنده و اسیر حق تعالی هستند.

۳- فرمان قرآن کریم به نظر و تدبر و اندیشه‌ورزی انسان در جلوه‌گاه‌های زیبای آفرینش، رهایی و آزادی وی از تحجر ذوقی و فکری، جمود و سخت‌مغزی را به ارمغان می‌آورد. شکل‌گیری طبیعتی اخلاقی و سازنده از رهگذر این درنگ آزادانه ذوقی انسان در آیات جمال الهی، آدمی را در نیل به هماهنگی و توازن با خویشتن به منظور نقش آفرینی‌های مثبت در زندگی فردی و اجتماعی و نیز در مسیر بازسازی معنوی و فکری یاری می‌رساند. با بهره‌گیری از این ذوق زیباشناختانه، نه تنها امکان دستیابی انسان به توازن و هماهنگی میان توانایی‌هایی حسی و عقلی‌اش فراهم می‌گردد، بلکه با نیل آمدن به دیدگاهی عمومی و کلی در بررسی و واکاوی جهان و جلوه‌هایش، کنش‌ها و واکنش‌های پیرامون خود را به‌درستی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. با رهایی از حالت تک‌ساحتی، امکان توجه به همه جنبه‌های حیات در فکر و شعور و حس و خیال چنین انسانی

فراهم می‌آید و می‌تواند با همه قلمروهای حیات رابطه‌ای کلی و فراگیر داشته باشد، به گونه‌ای که هر جزء از خلقت برای او چونان نمادی از قدرت لایزال الهی جلوه نماید.

نظر به چنین دستاورد سازنده‌ای است که هیچ‌گاه زیبایی‌های صوری قرآن به رخ مخاطبان آن کشیده نشده است، بلکه این مخاطبان آن بوده‌اند که شدت کشش و جاذبه کلام وحی را دریافته و از چیرگی بر دل‌ها و در پی آن برانگیختگی وجدان ناشی از تأثیرپذیری درونی سخن گفته‌اند. اقرار به چنین تأثیر شگرفی به مسلمانان و پیروان مکتب قرآن محدود و منحصر نمی‌گردد، بلکه مخالفان آئین اسلام نیز ناخواسته و از در مخالفت به چنین قدرت اعجازآمیز این کتاب آسمانی به عنوان چیزی که انسان‌ها را جذب و مسحور خود می‌نماید، اعتراف نموده‌اند: و یقولوا سحر مستمر (قمر ۵۴:۲) و گویند: [این] جادویی همیشگی است! « فقل ان هذا الا سحر یوثر » (مدثر ۷۴:۲۴) پس گفت: این قرآن جز جادویی که از جادوگران پیشین حکایت شده، چیزی نیست. بر اساس آیات مذکور، بیش از آن که قرآن بخواهد بر دل مخاطبین خود اثر بگذارد، درک و دریافت آنان است که چنین جاذبه‌ای را آشکار می‌سازد. شاید بتوان خطایی (م ۳۸۵) را در بین محققین قرآنی، نخستین کسی دانست که در کتاب «بیان اعجاز القرآن» به این خصیصه و ویژگی خاص (قدرت بر جذب مخاطبین) پرداخته است: «و قد یوجد لبعض الکلام عذویه فی السمع و هشاشه فی النفس لا توجد مثلها لغيره منه» (زغلول سلام، ۱۳۸۷: ۲۴) گاهی در برخی کلام، نوازشی در گوش و بهجت و شادی در درون ایجاد می‌شود که مانند آن در غیرش مشاهده نمی‌شود.

قرآن از همین رو، تأثیر نفسی خودش را در آیه ۲۱ سوره حشر چنین وصف می‌نماید:

لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعاً متصدعاً من خشیه الله . در این آیه شریفه التفاتی از تکلم مع الغیر به غیبت به کار رفته و این بدان جهت است که بر علت حکم دلالت کرده،

است، کهنه نشدن این کتاب ژرف و فصیح و متین با گذشت زمان و درخشندگی و آموزندگی پیوسته معارف آن برای همه اقشار در همه زمان‌ها نیز بر شدت جاذبه آن می‌افزاید. امام صادق(ع) در پاسخ به سؤالی در این رابطه، رمز و راز این جاودانگی و طراوت همیشگی در کلام خدا را این گونه تشریح می‌فرماید: «لأن الله تبارک و تعالی لم يجعله لزمان دون زمان و لا لناس دون ناس فهو فی کل زمان جدید و عند کل قوم غض الی یوم القیامه.» (مجلسی، ۱۳۹۳، ج ۸۹: ۱۵) برای این که خدای متعال آن را برای زمانی خاص یا مردمی خاص قرار نداده است. از این رو قرآن در هر زمان تازه است و نزد هر قومی شاداب است تا روز قیامت. طراوت و تازگی قرآن برای همه و همیشه، به خاطر آن است که معجزه جاوید پیامبر(ص) و کلام الهی است و در هر عصری پاسخ‌گوی نیازهای فکری، هدایتی و اجتماعی مردم است. امام صادق(ع) در جایی دیگر در استدلال تأثیر زیبایی قرآن در جذب مخاطبان همه ادوار و اعصار چنین فرموده‌اند:

«لأن القرآن حجة علي اهل الدهر الثاني، كما هو حجة علي الدهر الاول، فكل طائفه تتلقاه غصاً جدیداً، و لان کل امریء فی نفسه متی اعاده و فکر فیه، تلقی منه فی کل مره علوماً غصه، و لیس هذا کله فی الشعر والخطب (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳۶): زیرا قرآن بر اهل همه دوران حجت است [مخصوص به یک دوره نه دوره دیگر نیست]، بنابراین هر فرقه ای طراوت تازه‌ای می‌یابد و به این دلیل که هر شخصی در خود، وقتی آن را تکرار می‌کند و به آن فکر می‌کند، هر بار دانش تازه‌ای از او دریافت می‌کند و این همه در شعر و خطبه نیست.

شناسایی لایه‌های کلام در زیبایی‌شناسی قرآن مجید مقدمه دریافت پیامی است که هر سخن حامل آن است و این مهم خود در گرو شناخت زبان قرآن و نظام معنایی پیوسته آن از یک سو و دقت و اهتمام به شناسایی عمق معانی و جنبه‌های ناشناخته آن که همواره در تفسیر درباره کشف و پرده‌برداری آن سخن می‌رود، از سوی دیگر، می

بفهماند اگر کوه با نزول قرآن متلاشی و نرم می‌شود، علتش قدرت والای معانی بلند کلام خدای عزوجل است.

«و تلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون» که در ادامه آیه ذکر شده، از باب به کار بردن حکمی کلی در موردی جزئی است تا دلالت کند بر اینکه حکم در این مورد نه حکمی نوظهور، بلکه در همه موارد دیگری - که بسیار هم هست - جریان دارد.

پس اینکه فرمود: لو انزلنا هذا القرآن علی جبل، مثلی است که خدای تعالی برای مردم در امر قرآن زده تا عظمت و جلالت قدر آن را از نظر که کلام خدا است و مشتمل بر معارفی عظیم است، به ذهن مردم نزدیک سازد تا درباره آن تفکر نموده و آن طور که شایسته آن است با آن برخورد کنند و در صدد تحقیق محتوای آن که حق صریح برآمده، به هدایتی که از طریق عبودیت پیشنهاد کرده مهتدی شوند، چون انسان‌ها برای رسیدن به کمال و سعادتشان طریقی جز قرآن ندارند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۳۸۰).

یا درخصوص شیفته قرآن شدن جنیان، این گونه داد سخن داده شده که گفتند: «انا سمعنا قراناً عجباً یهدی الی الرشید فامنا به» (جن، ۱-۲) ما کتابی خوانده شده و شگفت‌آور شنیده‌ایم که به عقاید و اعمال درست رهنمون می‌شود و مایه نیکبختی است. ابعاد شگفت‌انگیز قرآن چنان است که رسول خدا(ص) فرموده‌اند: «لا تحصی عجائبه: قرآن از زاویه لفظ، محتوی، جامعیت و هماهنگی با فطرت و نیاز بی نظیر است» (کلینی، ج ۲: ۵۹۹) که یکی از آن‌ها جذابیت و گیرایی بی حد و حصر آن است که جنیان را که اجسام و اجرامی لطیف‌اند، به رغم امکان صعود به سوی آسمان و استماع سخن فرشتگان، به خود جذب نموده است.

از آن جا که در بررسی زیبایی‌های قرآن مهم‌ترین اصل شناخت‌شناسانه را جاذبه این کتاب آسمانی تشکیل می‌دهد. صرف نظر از خصلت ابدی احکام قرآن و حلال و حرام آن که از عوامل جذب مخاطبان

باشد. از این رو، تصویر (تصویرگری و تصویرانگیزی) یکی از ویژگی‌های بارز اسلوب هنری قرآن است که طی آن، گاه معانی مجرد به وسیله مثال‌ها چنان لباس حس می‌پوشند که پدیداری کاملاً خیالی و انتزاعی، برجسته‌تر از هر مفهوم عینی جلوه می‌کنند. این ویژگی ممتاز باعث شده تا زیبایی‌های هنری نهفته در تصاویر موجود در آیات قرآنی، نسبت به دیگر ظرائف آن از جمله زیبایی واژگان و ظرافت‌های معانی در ارتباط با دیگر اجزای کلام و ساختار نحوی، نمود و جلوه بیشتری یابد (سید قطب، ۱۳۶۷: ۲۹). گاه واژه‌ها و تعبیر صرفاً ذهن را مخاطب قرار می‌دهند و گاه برای معنا، تصویر یا سایه را ترسیم می‌کنند که حس و وجدان را مخاطب قرار می‌دهند و با قوه خیال سبب بازتاب تصاویر معانی در نفس و روح مخاطب می‌گردند. سیدقطب در کتاب ارزشمند خود، تصاویر هنری قرآن را به چهار دسته عمده تقسیم کرده است: الف) تصویر معانی ذهنی که جامه حس می‌پوشند؛ ب) تصویر حالات روحی و درونی؛ ج) تصویر نمونه‌های انسانی (گونه‌های مختلف احوال انسان در برخورد با دعوت الهی)؛ د) تصویر پدیده‌هایی که واقعیت خارجی دارند (معانی ذهنی) (سیدقطب، ۱۳۶۷: ۶۶). روش قرآن کریم، تخییل حسی یعنی مخاطب قرار دادن قوه خیال‌پردازی انسان است که طی آن حوادث محسوس، رویدادها و مناظر طبیعی و حتی امور غیر محسوس، حالات روحی انسان را چنان تحت تأثیر خود قرار می‌دهد که گویا در آن حیات و حرکت و گفت‌وگو حضور دارد (سید قطب، ۱۳۶۷: ۷۱).

از آن جا که نمی‌توان زیبایی و هنرمندی را صرفاً در قالب‌های محدود مادی و هنری آن تعریف نمود، یکی از مبانی مهم زیبایی‌شناسی قرآن را با عنایت به نقش تعیین‌کننده هدایت و دل دادن مخاطب به پیام‌های الهی و معنوی در دعوت به یکتاپرستی و توحید در کلام وحی، هدمندی تشکیل می‌دهد. به عنوان نمونه زمانی که از بعد و زاویه هنری، داستان های قرآن مورد بحث و گفت‌وگو واقع می‌شوند، برجسته‌سازی محتوای این داستان‌ها در قالب

عبارات زیبا به این معنا نیست که زیبایی آن در داستان‌سرایی و جلوه‌های ادبی و هنری آن موضوع زیبایی‌شناسی است، بلکه هدف آن هدایت انسان و تأکید بر قدرت و توانایی بی‌نهایت پروردگار است (ایازی، ۱۳۸۱: ۲۳). به عنوان نمونه، مفاهیمی چون «بَرّ» و «عصیان» در آیه ۱۴، ولادت و مرگ در آیه ۱۵، پرهیزکاران و ظالمان در آیه ۷۲، کافران و مؤمنان در آیه ۷۳، صحنه محسورشدن پرهیزگاران نزد خدای مهربان و راندن مجرمان با تشنگی به سوی جمع در آیات ۸۵ و ۸۶ و نیز بحث انذار و تبشیر در آیه ۹۷، وجود تقابل را به عنوان یکی از عناصر پربسامد در سورة مریم تداعی می‌نماید. چند صحنه به نمایش گذاشته در آیات ۶۶ سورة مذکور تا پایان آن، علاوه بر تقابل تصویر واژه‌ها با طرح تقابل در صحنه‌ها طی جابه‌جائی مرتب صحنه‌های دنیا و آخرت، زمینه اوج‌گیری قوه تفکر مخاطب به سمت قدرت لایزال الهی را فراهم می‌سازد. درواقع اگر در صحنه‌ای رفتار و گفتار کافران و مشرکان در دنیا عنوان شده، بلافاصله در صحنه بعدی نتیجه آن در آخرت به نمایش گذاشته شده است. چنانکه در آیه ۷۲ سورة مریم نیز تقابل بین پرهیزکاران و ظالمان و عاقبت آن‌ها مطرح شده است (پارسا و کرمی، ۱۳۹۸: ۱۵۸).

۴- زیبایی لفظی ناشی از نظم معنایی، نمود دیگری از زیبایی‌شناسی معطوف به مبدائی‌عالیه قرآن را به نمایش می‌گذارد. هر هوشمند نکته‌سنجی از نوع و نحوه چینش کلمات و چگونگی قرار گرفتن واژه‌ها در کنار یکدیگر، هر گونه جابه‌جائی و یا جایگزین کردن واژه‌ای به جای دیگری را که موجب به هم ریختن نظم معنایی و آشفتگی از جهت زیبایی، صورت، مفهوم، ظرفیت و همخوانی با واژه‌های دیگر می‌شود، متوجه می‌گردد. این نظم و هماهنگی، در گزینش کلمات مترادف از جهت زیبایی و غیرزیبایی ظاهر واژه و آهنگ که نقیض آن‌ها به دلیل داشتن معنایی دیگر از حیث ظرفیت و فراگیری با آن‌ها فرق می‌کند، نیز قابل مشاهده است (ایازی، ۱۳۸۳: ۲۴-۲۲).

نمود که بنا بر قول برخی مفسران به سرگذشت بلعم باعورا (زاهد بنی اسرائیل) اشاره دارد.

ج) در تصویر انسان‌های لجوج و سرسختی که در هر حال اهل ایمان نیستند و بی‌دلیل و برهان گردن فرازی می‌کنند، در آیات ۱۴ و ۱۵ سورة حجر می‌فرماید: اگر بازگشائیم برایشان دری از آسمان و ایشان درایستند در آن و برشوند، گویند که چشم‌های ما بیوشانید و بر بسته‌اند و کژ نموده‌اند، بلکه ما گروهی ایم چشم به جادوئی بر بسته (میبندی، ۱۳۶۱، ج ۵: ۲۸۸).

آیه دیگر در تصویر نمونه‌های انسانی، آیه ۲۰ از سورة محمد است که طی آن کسانی تصویر می‌شوند که در حال آسایش، قاطعانه در راه اسلام‌اند ولی هنگام نزول دستور جهاد با دشمنان خدا، به پیامبر مثل کسی می‌نگرند که به حال بی‌هوشی افتاده باشد.

د) در آیات ۱۵۲ تا ۱۵۴ سورة آل عمران، تصویر دقیق کردار مسلمانان به دنبال گردآوری غنیمت در جنگ احد و در نتیجه، شکست ایشان از دشمن به گونه‌ای ارائه می‌شود که گوئی انسان شاهد تمام جزئیات این صحنه زنده است (۶).

خیال و تجسم نیز از دیگر اسلوب‌های هنری قرآن است که به واسطه آن، آفرینش حاصل می‌شود. خیال‌انگیزی قرآن گاه از طریق شخصیت بخشیدن به اشیای بی‌جان و جان‌دار تصور کردن آن‌ها صورت می‌پذیرد که نمونه آن را می‌توان در آیه ۷۲ سورة احزاب ملاحظه نمود که طی آن خداوند، کوه‌ها و آسمان‌ها و زمین را بسان انسان، جاندار و زنده فرض کرده است. همین روند را می‌توان به گونه‌ای دیگر در آیه ۳۰ سورة ق، آیه ۱۱ سورة فصلت، آیه ۲۳ سورة فرقان نیز مشاهده نمود.

نمونه بسیار عالی دیگری که به یاری خیال، مفهوم خود را هرچه روشن‌تر می‌نمایاند آیه «حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ» (حج-۳۱) است که خداوند در آن مشرکان را

اینک پس از بازشناسی نحوه نگرش هنری قرآن کریم، بررسی نمونه‌هایی از آیات الهی که چنین تصویر هنری را باز می‌نمایاند، می‌تواند به روشن شدن هرچه بیشتر این بحث مدد رساند: الف) خداوند درباره منکرانی که هرگز به پیشگاه الهی بار عام نخواهند یافت، چنان لطیف و در عین حال سهمگین سخن می‌گوید که نیکوتر از آن در قالب کلام نمی‌گنجد. آن جا که در آیه ۴۰ سورة اعراف می‌فرماید: إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ.

قرآن در آیه فوق، مخاطب را آزاد می‌گذارد تا صورتی از باز شدن آسمان برای خود ترسیم نماید و تصویر دیگری نیز از داخل شدن شتری در روزن سوزن ترسیم کند و بی آن که بخواهد به طور شتاب زده از راه ذهن، معنای تجریدی را دریافت کند، در نهایت حوصله و آرامش از راه چشم و احساس، معنای عدم پذیرش و عدم امکان (ناممکن بودن رستگاری منکران خدا) را به خوبی به مخاطب می‌فهماند (سید قطب، ۱۳۶۷: ۴۶).

نمونه دیگر از چنین اسلوب هنری را می‌توان در آیه مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الصَّلَاةُ الْبُعِيدُ (ابراهیم-۱۸) سراغ گرفت که در آن بی‌نتیجگی اعمال کافران به نمایش گذارده شده است.

ب) در بیان حال کسانی که خداوند زمینه‌های معرفت را در اختیار آنان قرارداده ولی ایشان حق آن را ادا نمی‌کنند و به مادیات (و به تعبیر قرآن به زمین) روی می‌آورند و در نتیجه نه روی آسایش می‌بینند و نه در حالت ادبار، روی خوش، می‌توان به آیات ۱۷۵ و ۱۷۶ سورة اعراف) وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَ الشَّيْطَانَ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ* وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) استناد

به کسی تشبیه کرده که از آسمان فروافتد و مرغان شکاری در میان هوا بدنش را قطعه قطعه کنند، یا بادی تند او را به مکانی دورافکند. قرآن در تصویرپردازی سبکی دارد که می‌توان آن را به معنای عمیق کلمه، واقع‌گرایانه خواند. تصاویر قرآنی، آینه دار طبیعت است و به‌ویژه با چشم سروکار دارد. به عبارت دیگر متناسب با رویه مرسوم در شعر عربی دوران نزول قرآن «دیداری» است. عرب‌های آن روزگار - به گواهی شعر جاهلی - اساساً به دلیل آشنایی و انس با چنین تصویرهایی، بی‌درنگ تصویرهایی نظیر آنچه در این آیه آمده را می‌پسندیدند و درست به همین دلیل، قرآن توانست به عنوان يك معجزة کلامی، هم‌دلی عرب‌ها را که سابقه درخشانی در شعر داشتند، برانگیزد. تصویری تخیلی (۷) از این که کسی با شتابی سرسام آور از آسمان سقوط کند و پرندگان - بی‌گمان - با شتابی سرسام آورتر، در فضا به او حمله‌ور شوند؛ یا به مثل، در مسیر سقوط او کمین کنند تا گوشت تنش را تکه تکه ببرایند، می‌توانست به دلیل شباهت به رویدادهای واقعی دنیای عینی، مورد پسند هنری دوران نزول قرآن واقع شود (بدوی، ۲۰۰۵: ۱۹۴).

باید توجه داشت که همیشه منظور از تجسم بخشیدن، تشبیه به محسوس نیست؛ چراکه این امر همواره متداول بوده، بلکه صورت مادی دادن به معنویات مقصود نظر است؛ یعنی اوصاف معنوی به صورت اوصاف حسی بیان شوند، تا اثر آن آشکارتر و نافذتر باشد. در آیه‌هایی نظیر ۴۹ سورة كهف و یا ۱۱۰ سورة بقره، گویی حضور اعمال و یا در برابر روی ما واقع شدن اعمال گذشته، نوعی تجسم اعمال است یا ودیعه‌ای است که آن را سپرده‌ایم و نیز پس می‌گیریم. همچنین در آیات ۳۱ سورة انعام و ۱۸ سورة فاطر که گناهان به بارگران تشبیه شده‌اند، نوعی تجسم لحاظ شده است که دال بر این نکته است که کیفرها و مجازات‌هایی که شخص مجرم و گناهکار در سرای آخرت، تحمل خواهد کرد، از ناحیه خارج و غیر نیست؛ بلکه اعمال انسان است که در قیامت به صورت عذاب صور موحشه همچون

عقارب و مارها، متمثل و متجسم خواهد شد. بر این اساس، هر گونه کیفر و عقاب متوجه انسان در آخرت فقط از ناحیه انعکاس اعمال معصیت است و هیچ‌گونه عذاب و کیفر خارجی متوجه انسان گناهکار نیست. مرحوم امام (ره) هم با رد وجود معذب و معاقب خارجی، نمود و تجسم اعمال را چنین توضیح داده‌اند: «جهنم، اعمال تو است که در آن جا حاضر می‌بینی، صورت بهشتی و جهنم جسمانی همان صور اعمال و افعال حسنه و سیئه بنی‌آدم است.» ([امام] خمینی، ۱۳۹۴: ۲۱).

روی هم رفته عظمت و زیبایی مورد تأکید آموزه های قرآنی که در قالب‌های مختلف نمود یافته، از جنس زیبایی و حُسن عقلی است (۸)؛ چراکه در صورت درک، مخاطب، چنان مجذوب آن می‌شود که دیگر امکان دل‌کندن از آن وجود ندارد. درست مثل زمانی که فردی با دیدن قالی زیبایی، چنان دل‌باخته آن می‌شود که حتی حاضر به پرداخت قیمتی بالاتر از ارزش واقعی آن می‌شود، قرآن کریم هم بر آن است تا مخاطبانش زیبایی‌های عقلانی را درک کنند و اندیشه آنان از حصار زیبایی‌های محسوس و حتی قابل درک با قوه خیال فراتر رود و چنان زیبایی کارهای نیک را لمس و احساس کنند که امور زشت و قبیح در ذائقه آنان تلخ و منفور گردد. با چنین رهیافت زیباشناسانه‌ای، مبدأ حرکت و سیر انسان به سوی تعالی و سعادت واقعی چه زیبا تمهید خواهد شد؛ تا آن‌جا که اگر خداوند پوینده این طریق را خبر دهد که دیگر به خاطر غیبت‌هایش عذاب نمی‌شود و پاداشی بابت راستگویی‌اش نمی‌گیرد، اما چون زشتی غیبت را چشیده، هرگز غیبت نمی‌کند. چون ذائقه چنین موجودی از چشمه حسن الهی سیراب گشته، زیبایی عدالت و احسان را درک می‌کند، زشتی فحشا را می‌فهمد، بغی (به تعبیر قرآن) را قبیح می‌داند. عجیب تعبیری دارد قرآن آن‌جا که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل/۹۰) همانا خدا فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطاء

راه به بی‌نهایت دارد. جهان در تفکر اسلامی جلوه و مشکات انوار الهی است و حاصل فیض مقدس نقاش ازلی، و هر ذره‌ای و هر موجودی از موجودات جهان و هر نقش و نگاری مظهر اسمی از اسما الهیه است و در میان موجودات، انسان مظهر جمیع اسما و صفات و گزیده عالم است.

در ادبیات قرآنی، زیبایی به عنوان نمادی از حقیقت وجود الهی است که در صورت نگاه مبتنی بر بصیرت و گذر از محدودیت‌های بصری، کارکرد مورد انتظار از آن حاصل می‌آید. جمال و زیبایی با حقیقت ارتباط دارد و جمیل یکی از اسماء حق است. در حدیث آمده است که ان الله جمیل و یحب الجمال یعنی خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. البته هر کمالی مستلزم جمال و هر جمال، مستلزم کمال است. نباید جمال را از کمال منفک کرد؛ کمال خودش زیباست، خواه کمال کمال نفسانی باشد، خواه فضیلت باشد که فضیلت کمال و جمالش نفس است، یا زیبایی بیرونی و جمال محسوس باشد که آن هم زیباست. بنابراین جمال ذاتاً با کمال ارتباط دارد و به همین دلیل در قرآن از اسماء الهی به اسماء حسنی تعبیر شده است. منظور از اسماء حسنی، اسمایی است که زیباست و منشأ حسن است. در اسمای حسنی خداوند کمال با جمال توأم شده است.

هرچند هنر قرآن خود را گاه در فصاحت، گاه در بلاغت و گاه در تصویرها و مثلها و تجسمها و هماهنگی‌ها نشان می‌دهد، اما نمود توأمانی کمال و جمال نه در دلالت صرف الفاظ و عبارات قرآنی به دلالت معنایی، بلکه با ایفای نقش الفاظ و عبارات در به حرکت درآوردن قوه عاقله مخاطب در جهت شناخت «زیبایی» از طریق انتقال مفهوم و تصویر، آشکار می‌گردد. از آن جا که دین هدف رستگاری و رهایی آدمی (چه از بند شهوت و چه از قید ستم جباران) را دنبال می‌کند، انحراف و سقوط آدمی به ورطه حیوانیت، ددمنشی و اهریمن خویی، پلشتی و تردامنی و گناه آلودگی در آموزه‌های آئین اسلام

خویشاوندان امر می‌کند و از کارهای زشت و منکر و ظلم نهی می‌کند و به شما از روی مهربانی پند می‌دهد باشد که موعظه خدا را به یاد آورید. برخی کاربرد کلمات به صورت مرتب و در تقابل با هم در این آیه را از این حیث قابل تأمل دانسته‌اند که فحشاء در مقابل عدل، منکر در مقابل احسان و بغی در مقابل ایتاء ذی القربی است و می‌توان معنای هر یک را با متضاد آن فهمید و معنای استعمالی و مراد جدی خدای متعال از این واژگان را می‌توان از درون خود این آیه به دست آورد. نویسنده کتاب «متدولوژی تدبّر در قرآن» در این رابطه می‌گوید: «و این را بیان می‌دارند که فحش کار زشتی است که از حد گذشته باشد و عدل، هماهنگی، تناسب و انصاف است. احسان نیکی کردن به دیگران و مراعات مردم است و منکر دفع و طرد و انکار و ناخوشایندی از آن‌هاست. ایتاء ذی القربی همان دستگیری و انفاق به خویشاوندان است با بغی که تجاوز به حقوق دیگران و زیاده‌طلبی و تعدی است مفهوم متضاد دارد» (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۸).

۶ جمع بندی و نتیجه‌گیری

اگر زیبایی و حقیقت به صورت اجزای جدانشدنی احساس انسانی آدمیان شمرده شود، بی‌شک راه برای اثبات پیوند طبیعی "هنر" و "مذهب" هموار می‌گردد و نیز اگر نیایش و روح پرستش و نیز تعلق خاطر به نیروهای فرامادی ذاتی انسان شناخته شود، هر امری که به تبلور زیبایی‌شناسانه این احساس مدد رساند، مقدس و قابل تکریم خواهد بود. در این معنا، هنر نماد و وسیله تبیین مقدس‌ترین احساسات بشری است؛ احساساتی که انسان را اساساً با منبع عظیم حقیقت ازلی پیوند می‌دهد.

نمادگرایی اساس هنر مقدس است؛ چراکه در هنر مقدس، هر رمز نشانه‌ی حقیقت برتر است. این رموزها و نمادها وضعی و قراردادی نیست، بلکه بر یک امر حقیقی و وجودی دلالت دارند. نمادهای دینی در عین این‌که در یک صورت ظاهر شده است،

همچون سایر ادیان توحیدی، عین زشتی و عاری از هر گونه زیبایی شمرده می‌شود.

گستره وسیع حرکت پنهان یا آشکار در اغلب تصاویر قرآنی محرک اندیشه و تأثیرگذاری بر مخاطب با برنهادن زیبایی و جمال حقیقی در برابر درک آدمی به منظور تحریک شهود و ذوق در اثر رویت زیبایی و جمال الهی (زیبایی‌ای فراتر از زیبایی‌ها و آفریده‌های هنری محسوس و این جهانی)، به اندازه‌ای وسیع است که عنصر حرکت را به یکی از ابزارهای مهم تصویرپردازی در صحنه‌های قرآنی، مبدل ساخته است. قرآن کریم به عنوان سرچشمه‌ای از زیبایی با عنایت به فطری بودن میل به زیبایی در وجود آدمی در برقراری ارتباط مؤثر با طیف مخاطبان خود، تصاویری زیبا را خلق نموده تا با برانگیختن ذائقه عقلی بشر و چشیدن و درک زیبایی‌های معنوی همچون زیبایی فداکاری، زیبایی استقامت، زیبایی انصاف دادن نسبت به دیگران درباره خود، زیبایی گذشت، زیبایی حلم، زیبایی تحمل، زیبایی جود، زیبایی سخا، زیبایی‌های محسوس نسبی را رها و به سمت نوع معقول مطلق که در «ایمان» به مثابه مبدأی جهت تعالی قابل حصول است، گرایش یابد. بی‌تردید «گردیدن به آن چه باید» چونان فعال‌ترین عنصر روانی شخص با ایمان، سبب کاهش رغبت به پلیدی‌هایی می‌شود که نیل به کمال ناشی از انبساط و شهود جان و روح برانگیخته از رویت جمال الهی متجلی در مظاهر گوناگون آفرینش را مانع می‌گردد. این حرکت در رهائی از سکون، با نفی ایستایی ناشی از پلشتی‌ها، پویایی معطوف به تعالی را که از جمله مبادئ عالیة قرآنی است، در مخاطب موجب می‌گردد.

یادداشت‌ها:

1. The Numinous

۲. گفتنی است که منظور کانت از داوری زیبایی‌شناختی این نیست که احکام

زیبایی‌شناختی، همچون احکام در عقل نظری و عقل عملی در بردارنده حکم و داوری معرفتی و شناختی هستند، بلکه داوری‌های زیبایی‌شناختی، صرفاً داوری و نظردهی ذوقی و برخاسته از حس است.

3. Interest

۴. بی‌سبب نیست که در روایات دینی و دعا‌های اسلامی آمده است که: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ» و «يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ»: خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد و نیز دوست دارد که نمود نعمتش را در بنده‌اش ببیند. یا در برخی دعاها آمده است: «سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْبَهْجَةَ وَ الْكَمَالَ». ای پروردگار پاک، تو کسی هستی که جامه بهجت و کمال پوشیده است. یعنی که خداوند عین ابتهاج و دارای تمامی کمال‌هاست و لذا برترین مرتبه عشق و سرور را دارد.

۵. در فرمایش ارزنده و نغز «ما رأيتُ إلَّا جميلًا» حضرت زینب(س) زمانی که اهل بیت و اسرا به کوفه نزد ابن زیاد آورده شدند، به خوبی می‌توان پیام ایستادگی در برابر تمام سختی‌ها و تلخی‌ها حاصل از جهان بینی و تصویر ارائه شده خداوند از هستی که جز آن که با «جمال قرآنی» در آویخته، فرد دیگری آن را سر نمی‌دهد، گنه و ژرفای این نگرش حقیقت بین و زیبانگر را ملاحظه نمود که چون آن‌چه از طرف خدا صادر می‌شود فعل الهی دیده می‌شود، خیر محض تلقی می‌گردد. لذا با علت‌العلل دیدن خداوند در اعتقادات توحیدی، آن‌چه که در این عالم اتفاق می‌افتد چه آنکه در نظر برخی شر باشد و چه آنکه از دیدگاه دیگران خیر، همه و همه مربوط به خدا و زیبا است.

۶. در سال دوم هجری که مسلمانان در جنگ بدر پیروز شدند، خداوند وعده داد که در جنگ‌های آینده نیز پیروز می‌شوند. در سال بعد که جنگ احد واقع شد، پیامبر(ص) پنجاه نفر مسلح را به حفاظت از دره‌ها و کوه‌ها گماشت. چون جنگ شروع شد، در آغاز مسلمانان حمله کرده و نفس دشمن را گرفته و آن‌ها را شکست دادند، اما متأسفانه در بین آن پنجاه نفر که مسؤول حفاظت از کوه بودند، اختلاف

برابر انسانی که برای نجات دیگری و دیگران از خودگذشتگی نشان می‌دهد و برای آسایش دیگران خود را به مشقت و سختی می‌اندازد، بی‌تردید شایسته تقدیر و تحسین است. قرآن کریم، فرستاده خاتم را چنین وصف می‌نماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ» (توبه/۱۲۸) به یقین، پیامبری از جنس خود شما برای شما آمده است یک خصوصیت او این است که بدبختی‌ها و عنت‌های شما، مشقت‌ها و ناراحتی‌های شما که خود در اثر جهالت و نادانی و یا چیزهای دیگر قادر به درک آن‌ها نیستید، بر او سخت و ناگوار است و در کمال متانت و در اوج انسانیت رنج و ناراحتی‌های شما را به جان می‌خرد. این امر در خور تقدیس و تحسین نیست؟!

منابع مالی:

این مقاله فاقد هرگونه منابع مالی است.

سهم نویسندگان:

مجتبی عطارزاده به عنوان نویسنده مسؤول این مقاله را نوشته و نویسنده مسؤول مسؤلیت این مقاله را بر عهده می‌گیرد.

تعارض منافع:

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

تقدیر و تشکر:

از همه اساتید و دوستانی که در ارتقای سطح کیفی مقاله یاری نموده‌اند تشکر و قدردانی می‌شود.

شد، عده‌ای گفتند: پیروزی ما قطعی است، پس به سراغ جمع کردن غنائم برویم و عده کمی همچنان سنگرها را حفظ کردند. دشمن شکست‌خورده، از همان منطقه‌ای که بدون محافظ مانده بود حمله کرد و این بار مسلمانان ضربه سنگینی خوردند و شهدای بسیاری دادند و حتی با فرار بسیاری از مسلمانان، جان پیامبر(ص) در معرض خطر قرار گرفت و جبهه اسلام شکست سهمگینی را متحمل شد که قرآن کریم به زیبایی تمام تهاون و سستی موجب این هزیمت را شرح می‌دهد: «إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (به خاطر بیاورید هنگامی که در جنگ احد به هنگام فرار، از کوه) بالا می‌رفتید و به هیچ کس توجه نمی‌کردید، (در حالی که) پیامبر شما را از پشت سرتان فرا می‌خواند (که به جای خود برگردید). پس به سزای آن، خداوند غمی بر غم‌هایتان افزود تا دیگر بر آنچه (از غنائم) از کفتان رفته یا (از آسیب و زخم) بر سرتان آمد، اندوه نخورید و (بدانید که) خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (۱۵۳ آل عمران).

7. Fantastic

۸. متکلمین اسلامی (البته متکلمین شیعه و متکلمین معتزله؛ نه اشاعره) و همچنین فقهای اسلامی (باز فقهای شیعه و آن گروه از فقهای معتزلی کلام اهل سنت) به حسن (زیبایی) عقلی برخی امور و قبح و زشتی عقلی برخی دیگر اعتقاد دارند. به نظر ایشان بعضی کارهای بشر فی حد ذاته یعنی خود کار زیبا و جمیل است، با عظمت است، جاذبه و کشش دارد، حرکت ایجاد می‌کند، عشق و علاقه ایجاد می‌کند، ستایش‌آفرین است و برخی دیگر واجد چنین ویژگی‌هایی نیست. به عنوان مثال، در

فهرست منابع

-قرآن کریم

-ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، **المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز**، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه.

احمد پناه، مصطفی؛ قاسمی، لیلا و کتایون فلاحی (۱۳۹۸)، «شرح و بررسی تناسب تصویری از جلوه‌های زیبایی‌شناسی قرآن کریم»، **فصل نامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۰، شماره ۳۹ - شماره پیاپی ۳۹**، پائیز: ۲۸۶-۲۷۱.

-اخوان ثالث، مهدی (۱۳۷۹)، از این اوستا: **مجموعه شعر ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۴**، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات مروارید.

الخولی، امین (۱۹۶۱م)، **مناهج تجدید فی النحو و البلاغه و التفسیر و الادب**، بیروت: دار المعرفه.

ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۱)، **چهره پیوسته قرآن**، قم: هستی‌نما.

ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۳)، **قرآن**، اثری جاویدان، رشت: کتاب مبین.

بازرگان، عبدالعلی (۱۳۸۹)، **متدولوژی تدبیر در قرآن**، تهران: شرکت سهامی انتشار.

باستانی، محمود (۱۳۷۱)، **اسلام و هنر**، ترجمه حسین صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

بدوی، احمد احمد (۲۰۰۵)، **من بلاغة القرآن**، القاهرة: دار نهضة مصر للطبع و النشر.

بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۶)، «مفهوم زیبایی و مبانی زیبایی‌شناسی در قرآن»، **فصل‌نامه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی**، دوره ۲۲، شماره ۴: ۵-۱۴.

-پارسا، فروغ و عاطفه کرمی (۱۳۹۸)، «مطالعة تطبیقی برخی وجوه زیبایی‌شناسی سورة مریم از دیدگاه زمخشری و سید قطب»، **پژوهش‌نامه الهیات و علوم اسلامی، دوره ۷، شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۴**، بهار و تابستان: ۱۶۶-۱۵۱.

-جعفری، محمدتقی (۱۳۸۱)، **هنر و زیبایی از دیدگاه اسلام**، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

-حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد (۱۳۹۹)، **چاپ دوازدهم**، تهران: انتشارات ققنوس.

[امام] **خمینی**، سید روح‌الله (۱۳۹۴)، **شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

-زغلول سلام، محمد (۱۳۸۷ق)، **ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، للرمانی و خطابی و عبد القاهر الجرجانی**، تحقیق و تعلیق: محمد خلف الله، مصر: دار المعارف.

سیدی، سیدحسین و حسن خلف (۱۳۹۲)، **تحلیل زیبایی‌شناختی تصویرهای هنری در قرآن (مطالعه موردی سورة فصلت)**، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال اول، شماره دوم، تابستان: ۱۴۲-۱۱۷.

-سید قطب، بن ابراهیم شاذلی (۱۳۶۷)، **آفرینش هنری در قرآن**، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: بنیاد قرآن.

-شبستری، محمود بن عبدالکریم (۱۳۹۳)، **گلشن راز**، چاپ چهارم، تهران: نشر ایران یاران.

-شیرازی، علی اصغر و محمد سرسنگی (۱۳۹۴)، **مجموعه مقالات همایش پژوهشی قرآن کریم و هنر**، تهران: نشر مطالعات بینا رشته ای.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، **فلسفه اخلاق**، تهران: انتشارات صدرا.

-مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران: انتشارات صدرا.

موسوی لر، اشرف‌السادات و سپیده یاقوتی (۱۳۹۳)، «زیبایی‌شناسی کلام و حیانی قرآن کریم»، **فصل‌نامه جلوه هنر**، شماره ۱۲، پائیز و تابستان: ۵-۱۸.

-مولائی نیا، عزت‌الله (۱۳۸۳)، **اسالیب بیانی قرآن کریم (پژوهشی پیرامون جمله‌های معترضه در قرآن کریم)**، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.

-میبدی، رشیدالدین (۱۳۶۱)، **کشف الاسرار وعده الابرار**، تصحیح علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات امیرکبیر.

-میر فندرسکی، ابولقاسم میرزا بزرگ (۱۳۹۱)، **دیوان اشعار میرفندرسکی**، تهران: نشر همای رحمت.

وزیری، علی نقی (۱۳۳۹)، **زیباشناسی در هنر و طبیعت**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

طباطبایی محمد حسین (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر قرآن**، بیروت: مؤسسه اعلمی.

قائمی نیا، علیرضا و مهدی امینی (۱۳۹۳)، «تبیین زیبایی به عنوان مفهوم ثانی فلسفی از دیدگاه علامه طباطبایی»، **فصل‌نامه ذهن**، شماره ۵۸: ۱۰۰-۸۱.

-کانت، ایمانوئل (۱۳۸۱)، **نقد قوة حکم**، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، چاپ سوم، تهران: نشر نی.

کروچه، بندتو (۱۳۳۹)، **کلیات زیباشناسی**، ترجمه فؤاد روحانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

-لطفی، محمدحسین (۱۳۹۲)، «از **معلمی تا سلوک هنری**»، **مجله رشد آموزش هنر**، شماره ۳۳، بهار: ۳-۹.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۳)، **بحارالانوار**، تهران: انتشارات اسلامیه.

-مددپور، محمد (۱۳۸۷)، **تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی**، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.